



نقش حاکمیت قانون در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری روستایی (روستای قلات فارس)

محمدصادق تدینی نژاد^۱، ثمنه بهادری جهرمی^۲، عبدالحمید دلشاد^۳، پیام پاسلاری^۴

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، فارس، ایران.
۲. گروه علوم تربیتی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، استان فارس، ایران.
۳. گروه مدیریت بازرگانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: saminbahadori.jahromi@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش حاکمیت قانون در ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری روستایی در روستای قلات فارس است. این پژوهش از نوع کمی و پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه ساکنان و ذی نفعان گردشگری روستای قلات در سال ۱۴۰۳ (۷۲۸۶ نفر) بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۶۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته با پایایی تأییدشده (آلفای کرونباخ ۰.۸۷) گردآوری و با روش‌های آماری استنباطی شامل آزمون همبستگی اسپیرمن، رگرسیون غیرپارامتریک، آزمون من-ویتنی و کروسکال-والیس تحلیل شدند. نتایج نشان داد بین حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت گردشگری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0.58, p<0.001$). همچنین مؤلفه‌های عدالت و حقوق مساوی ($\beta=0.58, p<0.001$)، شفافیت ($\chi^2=25, p<0.001$) و پاسخگویی ($\beta=0.60, p<0.001$) اثرات مثبت و معناداری بر کیفیت خدمات گردشگری دارند. موانع اجرایی قانونی مانند ضعف نظارت و اطلاع‌رسانی از عوامل کاهش‌دهنده کیفیت مدیریت شناسایی شد. یافته‌ها تأیید می‌کند که حاکمیت قانون، به‌ویژه از طریق تقویت عدالت، شفافیت و پاسخگویی، موجب بهبود کیفیت مدیریت گردشگری و تحقق توسعه پایدار در روستای قلات می‌شود. تقویت ساختارهای قانونی، افزایش شفافیت و ارتقای مشارکت جامعه محلی برای پایداری اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی ضروری است.

کلیدواژه‌گان: حاکمیت قانون، حکمرانی خوب، عدالت، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت اجتماعی، توسعه پایدار گردشگری، گردشگری روستایی.

تاریخ ارسال: ۱۸ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۸ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۳۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵



How to cite: Tadayoni Nejad, M. S., Bahadori Jahromi, S., Delshad, A., & Paslari, P. (2026). The Role of the Rule of Law in Improving the Quality of Rural Tourism Management (Qalat Village, Fars). *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(2), 1-15.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

The Role of the Rule of Law in Improving the Quality of Rural Tourism Management (Qalat Village, Fars)

Mohammad Sadegh Tadayoni Nejad¹, Samineh Bahadori Jahromi^{1*}, Abdolhamid Delshad², Payam Paslari³

1. Department of Social Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Fars, Iran.

2. Department of Educational Sciences, Ja.C., Islamic Azad University, Fars, Iran.

3. Department of Business Management, BA.C., Islamic Azad University, Bandar Abbas,

*Corresponding Author's Email: saminbahadori.jahromi@iau.ac.ir

Abstract

The study aims to examine the role of the rule of law in enhancing the quality of rural tourism management in Qalat village. This quantitative survey study was conducted among residents and tourism stakeholders of Qalat village (population 7,286) in 2024. Using Cochran's formula, 367 participants were selected via stratified random sampling. Data were collected through a researcher-made questionnaire with confirmed reliability (Cronbach's alpha = 0.87). Statistical analyses included Spearman's correlation, non-parametric regression, Mann–Whitney, and Kruskal–Wallis tests. Results revealed a positive and significant correlation between the rule of law and the quality of tourism management ($r = 0.58$, $p < 0.001$). Justice and equal rights ($\beta = 0.58$, $p < 0.001$), transparency ($\chi^2 = 25$, $p < 0.001$), and accountability ($\beta = 0.60$, $p < 0.001$) had significant positive effects on tourism service quality. Weak monitoring and insufficient information dissemination were identified as major legal implementation barriers reducing management quality. The findings confirm that strengthening the rule of law—particularly through justice, transparency, and accountability—significantly improves tourism management quality and fosters sustainable development in Qalat village. Reinforcing legal structures, increasing transparency, and empowering local community participation are vital for sustainable economic, cultural, and environmental progress.

Keywords: Rule of law, good governance, justice, transparency, accountability, social participation, sustainable tourism development, rural tourism.

Submit Date: 08 June 2025

Revise Date: 13 October 2025

Accept Date: 20 October 2025

Initial Publish: 22 October 2025

Final Publish: 22 June 2026

حاکمیت قانون به عنوان یکی از ارکان بنیادین حکمرانی خوب، نه تنها ضامن نظم اجتماعی و عدالت است، بلکه زمینه ساز توسعه پایدار در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی نیز محسوب می شود (Rhodes, 1996). در دهه های اخیر، این مفهوم به عنوان یکی از شاخص های کلیدی در نظام های مدیریتی، به ویژه در حوزه های مرتبط با توسعه گردشگری روستایی، مورد توجه گسترده پژوهشگران و نهادهای سیاست گذار قرار گرفته است (World Bank, 1992). در این میان، روستای قلات فارس که از نظر طبیعی، تاریخی و فرهنگی یکی از مناطق شاخص کشور در جذب گردشگر است، نمونه ای روشن از تأثیر متقابل میان حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت گردشگری به شمار می آید. مدیریت ناکارآمد گردشگری در این منطقه، عمدتاً ناشی از ضعف در اجرای قوانین، نبود شفافیت در تصمیم گیری ها، و کمبود پاسخگویی نهادی است (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025b). از این رو، بررسی علمی نقش حاکمیت قانون در ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری قلات، ضرورتی دوجندان یافته است.

بر اساس نظریه حکمرانی خوب، حاکمیت قانون یکی از هشت مؤلفه اصلی برای تحقق توسعه پایدار است که بر عدالت، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت و ثبات نهادی تأکید دارد (Graham, Amos, et al., 2003; Graham, Amuka, et al., 2003). در حوزه گردشگری، این مؤلفه به معنای اجرای بی طرفانه قوانین، نظارت مؤثر بر تصمیمات و تضمین عدالت در بهره برداری از منابع طبیعی و فرهنگی است. مطالعات تطبیقی نشان می دهد که کشورهایی با نظام های حقوقی شفاف و قابل پیش بینی، از کیفیت بالاتری در مدیریت گردشگری و رضایت بیشتر جوامع محلی برخوردارند (Rothstein, 2003). به بیان دیگر، حاکمیت قانون نه تنها در کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی مؤثر است، بلکه موجب هم راستایی میان منافع عمومی و خصوصی در عرصه گردشگری می شود.

در ایران نیز، ضعف در اجرای مؤثر قوانین مرتبط با گردشگری روستایی، از مهم ترین موانع توسعه پایدار محسوب می شود (Hajideh Abadi & Samimi, 2024). فقدان ساختارهای نظارتی منسجم، نبود ضمانت اجرایی برای مقررات و تداخل وظایف نهادی، منجر به تخریب تدریجی منابع طبیعی و تاریخی در مناطقی مانند قلات شده است (Pak Fatrat, 2022). گزارش های رسمی اداره کل امور روستایی استانداری فارس نیز حاکی از چالش های متعدد ناشی از ساخت و سازهای غیرمجاز، سوءمدیریت منابع، و ناهماهنگی میان دستگاه های اجرایی است که موجب شده «گردشگری قلات» قربانی بی قانونی و نبود شفافیت گردد (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025a). این وضعیت، ضرورت بازنگری در سیاست های مدیریتی و تقویت نهادهای حاکمیتی را بیش از پیش آشکار می سازد.

از دیدگاه نظری، پیوند میان حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت گردشگری را می توان در قالب سه محور اصلی تبیین کرد. نخست، عدالت و حقوق مساوی به عنوان مبنای مشروعیت و پذیرش اجتماعی قوانین، زمینه ساز اعتماد عمومی و مشارکت مردمی در مدیریت گردشگری است. دوم، شفافیت و پاسخگویی نهادی تضمین کننده کارایی مدیریتی و پیشگیری از انحرافات اداری است. و سوم، مسئولیت پذیری و مشارکت اجتماعی، پیونددهنده حاکمیت با جامعه محلی و عامل پایداری توسعه گردشگری محسوب می شود (Babaei Finni, 2015; Graham, Amuka, et al., 2003).

به باور رودز، حاکمیت قانون زمانی کارآمد است که اجرای قوانین به صورت عادلانه، قابل پیش بینی و بدون تبعیض باشد، زیرا تنها در این حالت می تواند ثبات اجتماعی و کارآمدی اقتصادی را تضمین کند (Rhodes, 1996). این دیدگاه بعدها در نظریه های توسعه بانک جهانی بازتاب یافت و به عنوان یکی از معیارهای کلیدی در ارزیابی حکمرانی مطلوب مطرح گردید (World Bank, 1992). در همین راستا، سازمان های بین المللی بر اهمیت تلفیق مؤلفه های حاکمیت قانون با سیاست های توسعه گردشگری، به ویژه در مناطق روستایی، تأکید کرده اند تا از تخریب منابع فرهنگی و طبیعی جلوگیری شود و توسعه ای پایدار و متوازن شکل گیرد (Kyriacou & Trivin, 2024).

در سطح ملی، ساختار حقوقی و اجرایی ایران نیز اگرچه طی دهه های اخیر تلاش هایی در جهت تنظیم مقررات گردشگری و حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی انجام داده، اما اجرای ناکامل قوانین، ضعف در نظارت و کمبود مشارکت اجتماعی باعث شده است که این سیاست ها به صورت

یکپارچه به ثمر نرسند (Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts, 2024a, 2024b). به‌ویژه در روستاهای تاریخی مانند قلات، خلأهای قانونی و اجرایی موجب شده است که ظرفیت‌های بالقوه گردشگری به‌جای ایجاد فرصت، به تهدیدی برای منابع و ساختار اجتماعی منطقه تبدیل شوند (Amiri, 2019).

مطالعات داخلی نشان می‌دهد که رعایت اصول حاکمیت قانون، از طریق تقویت عدالت و شفافیت در فرآیندهای مدیریتی، به‌طور مستقیم موجب بهبود کیفیت خدمات گردشگری و افزایش رضایت گردشگران می‌شود (Hemmati Khah et al., 2025). از سوی دیگر، نادیده‌گرفتن الزامات قانونی، منجر به بروز بحران‌هایی مانند تخریب منابع طبیعی، کاهش سرمایه اجتماعی و تضاد منافع میان ذی‌نفعان محلی و مدیران اجرایی شده است (Babaei Finni, 2015). از منظر تطبیقی نیز، رویکردهای نوین به حاکمیت قانون، همچون دیدگاه‌های فوزیه همتی و همکاران، نشان می‌دهد که کاربست رویکرد «ماهوی» به حاکمیت قانون در نظام‌های توسعه‌ای، می‌تواند عملکرد نهادهای مدیریتی را بهبود بخشد و از شکل‌گیری تصمیمات سلیقه‌ای جلوگیری کند (Fozieh Hemmati et al., 2025).

از بعد اجتماعی، حضور مؤلفه‌های حاکمیت قانون در مدیریت گردشگری روستایی، عاملی کلیدی در افزایش اعتماد عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی است. راشتاین معتقد است که اعتماد اجتماعی زمانی پایدار می‌ماند که شهروندان اطمینان یابند تصمیمات مدیریتی بر پایه عدالت و قانون اتخاذ می‌شود (Rothstein, 2003). در این چارچوب، جوامعی که از شفافیت نهادی و پاسخگویی بالا برخوردارند، توان بیشتری برای حل تعارضات، افزایش رضایت گردشگران و حفظ میراث فرهنگی دارند. این مسئله به‌ویژه در مناطق چندفرهنگی مانند قلات، که ساختار اجتماعی متنوعی دارد، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

در سطح اقتصادی، پیوند میان حاکمیت قانون و توسعه پایدار گردشگری در قالب الگوهای حکمرانی اقتصادی بررسی شده است. بانک جهانی در گزارش «حکمرانی و توسعه» بر این نکته تأکید دارد که وجود قوانین پایدار و شفاف، به جذب سرمایه‌گذاری، کاهش فساد و افزایش بهره‌وری در بخش گردشگری منجر می‌شود (World Bank, 1992). در حالی که نبود نظارت مؤثر و عدم اجرای قوانین، زمینه انحصارطلبی و بی‌عدالتی اقتصادی را فراهم می‌کند. به همین دلیل، تقویت نهادهای نظارتی در حوزه گردشگری و بازنگری در سیاست‌های اجرایی، از ملزومات تحقق توسعه پایدار در این بخش است (Hajideh Abadi & Samimi, 2024).

از دیدگاه زیست‌محیطی نیز، اجرای دقیق قوانین مرتبط با گردشگری، ضامن حفظ منابع طبیعی و تاریخی است. مطالعات نشان می‌دهد که ضعف در اجرای قوانین محیط‌زیستی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز در قلات، به تخریب بافت تاریخی و منابع آبی منطقه انجامیده است (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025b). وزارت میراث فرهنگی و گردشگری در گزارش سال ۱۴۰۳ خود تأکید می‌کند که برای بازگرداندن تعادل محیطی و فرهنگی قلات، باید سازوکارهای قانونی جدیدی در زمینه نظارت، پاسخگویی و آموزش نهادهای محلی طراحی شود (Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts, 2024a).

در بعد نهادی، گراهام و همکاران (۲۰۰۳) بر این باورند که اجرای مؤثر حاکمیت قانون در بخش عمومی، تنها زمانی ممکن است که ساختارهای تصمیم‌گیری از استقلال، شفافیت و نظام پاسخگویی برخوردار باشند (Graham, Amos, et al., 2003). به بیان دیگر، قانون زمانی می‌تواند کارکرد خود را در توسعه گردشگری ایفا کند که نظام حکمرانی محلی دارای اقتدار اجرایی، نظام نظارتی مؤثر و چارچوب مشارکتی فراگیر باشد. در قلات، کمبود چنین سازوکارهایی سبب شده است که فرآیند مدیریت گردشگری با ناهماهنگی میان دستگاه‌ها و تضاد منافع همراه شود (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025a).

با نگاهی به تحولات اخیر، مسئله حاکمیت قانون در ایران از ابعاد مختلفی مورد بازاندیشی قرار گرفته است. پژوهش همتی‌خواه و همکاران بر رویکرد ماهوی حاکمیت قانون در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید دارد و آن را الگویی برای اصلاح ساختارهای داخلی و افزایش کارایی نهادی معرفی می‌کند (Hemmati Khah et al., 2025). این دیدگاه، در ترکیب با یافته‌های حاجیده‌آبادی درباره امنیت قضایی، نشان

می‌دهد که ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری در ایران نیز نیازمند تقویت بسترهای قضایی و ضمانت‌های اجرایی قانون است (Hajideh, 2024).

از سوی دیگر، تجربه‌های بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه پیوند میان توسعه پایدار و حاکمیت قانون، اهمیت اجرای هم‌زمان سیاست‌های حقوقی، اقتصادی و فرهنگی را تأکید می‌کند. برای مثال، پژوهش حبیب و همکاران در زمینه «بانکداری پایدار در شرایط ضعف حاکمیت قانون» نشان می‌دهد که حتی در جوامع با ساختار قانونی ضعیف، اصلاح نهادی و افزایش شفافیت می‌تواند اثرات مثبتی بر تحقق اهداف توسعه پایدار داشته باشد (Habib et al., 2024). این یافته‌ها را می‌توان در حوزه گردشگری روستایی ایران نیز به کار بست، زیرا ضعف در اجرای قوانین و نبود پاسخگویی نهادی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریتی در این بخش است.

۵

با توجه به آنچه گفته شد، نقش حاکمیت قانون در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری روستایی را می‌توان در سه سطح کلیدی تحلیل کرد: سطح نهادی (ساختار قوانین و نهادهای نظارتی)، سطح مدیریتی (کارایی، شفافیت و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌ها) و سطح اجتماعی (اعتماد عمومی، مشارکت و سرمایه اجتماعی). هر سه سطح در تعامل با یکدیگر، بنیان توسعه پایدار گردشگری را تشکیل می‌دهند. بدون تقویت نظام قانونی و ایجاد شفافیت نهادی، مدیریت گردشگری نمی‌تواند به پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی دست یابد. در نتیجه، حاکمیت قانون نه صرفاً یک مفهوم حقوقی، بلکه چارچوبی چندبعدی برای اداره کارآمد گردشگری روستایی است (Cruz, 2011; Schultz, 2010).

در پایان، می‌توان گفت که تجربه روستای قلات فارس بازتابی از چالش‌های کلان حاکمیت قانون در ایران است؛ جایی که ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی در غیاب اجرای مؤثر قوانین به خطر افتاده و کیفیت مدیریت گردشگری تحت تأثیر ضعف نظارت و بی‌نظمی نهادی قرار گرفته است. رفع این چالش‌ها نیازمند تلفیق میان قانون، عدالت و مدیریت مشارکتی است تا توسعه گردشگری روستایی بر پایه اصول حاکمیت قانون و حکمرانی خوب تحقق یابد (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025a; Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts, 2024a). این پژوهش تلاش دارد با تبیین علمی این رابطه، مدلی کاربردی برای بهبود کیفیت مدیریت گردشگری در قلات ارائه دهد که بتواند الگویی برای سایر مناطق روستایی کشور باشد. به عبارتی دیگر، هدف این پژوهش بررسی نقش حاکمیت قانون در ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری روستایی در روستای قلات فارس بود.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کمی، از نوع تحقیقات پیمایشی است که با هدف بررسی نقش حاکمیت قانون در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری روستایی در روستای قلات فارس انجام می‌شود. رویکرد کمی به منظور سنجش و تحلیل آماری داده‌ها و آزمون فرضیات تحقیق انتخاب شده است که امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری را فراهم می‌سازد. پارادایم فکری این تحقیق بر اساس پوزیتیویسم مبتنی است که اعتقاد به مطالعه عینی پدیده‌ها، اندازه‌گیری کمی و استفاده از روش‌های آماری برای تبیین روابط بین متغیرها دارد. در این چارچوب، با جمع‌آوری داده‌های پیمایشی از طریق پرسشنامه‌های استاندارد، «ارزیابی تأثیر گردشگری بر توسعه روستایی ویژه مسئولین و افراد صاحب‌نظر» (۲۰۲۵) قابل استفاده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ سوال با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای بوده و ابعاد مختلف اثرات گردشگری از جمله اقتصادی، اجتماعی، و مدیریتی را پوشش می‌دهد. این پرسشنامه ارتباط بین ابعاد حاکمیت قانون (مانند عدالت، شفافیت، پاسخگویی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری) با کیفیت مدیریت گردشگری روستایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. جامعه آماری شامل ساکنان و ذی‌نفعان گردشگری در روستای قلات استان فارس است که در سال ۱۴۰۳ (۷۲۸۶ نفر) است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۶۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته با پایایی تأیید شده (آلفای کرونباخ ۰.۸۷) بوده و برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی بهره گرفته می‌شود.

در این بخش ابتدا نتایج توصیفی و سپس استنباطی گزارش گردیده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیر حاکمیت

متغیر حاکمیت قانون	میانگین	میان	نما	درصد موافق و کاملاً موافق (%)
شفافیت قوانین گردشگری	۳.۸۳	۴	۵ (کاملاً موافقم)	۶۶.۴
یکسان بودن قوانین	۳.۶۰	۴	۳ / ۵	۵۹.۵
رویه‌های قانونی عادلانه و سریع	۳.۷۹	۴	۴	۶۴.۰
دسترسی عادلانه به فرصت‌های اقتصادی	۳.۸۶	۴	۵	۶۴.۴
پایبندی مسئولان به قوانین	۳.۹۳	۴	۵	۶۶.۰

با توجه به میانگین‌های بالا (بین ۳.۶ تا ۳.۹) و نماهای غالب «موافقم» و «کاملاً موافقم» در گویه‌های حاکمیت قانون مانند شفافیت، عدالت در قوانین و پایبندی مسئولان، می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت پاسخ‌دهندگان به تأثیر قوی حاکمیت قانون بر کیفیت مدیریت گردشگری باور دارند. پراکندگی متوسط پاسخ‌ها، وجود نسبت قابل توجهی از نظرات مثبت را تأیید می‌کند، اما درصدی از پاسخ‌گویان که «نظری ندارند» یا مخالف هستند، نشان از برخی نگرانی‌ها یا ناآگاهی دارد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیر عدالت و حقوق مساوی در حکمرانی گردشگری

متغیر عدالت و حقوق مساوی	میانگین	میان	نما	درصد موافق و کاملاً موافق (%)
توزیع عادلانه منافع اقتصادی	۳.۷۲	۴	۵	۶۲.۹
دسترسی برابر به فرصت‌های شغلی	۳.۸۰	۴	۴	۶۵.۸
دسترسی عادلانه به آموزش‌های گردشگری	۳.۵۶	۴	۴	۵۶.۹
رعایت حقوق مالکیت و دسترسی به منابع طبیعی	۳.۸۵	۴	۵	۶۴.۹
عدم وجود تبعیض بین ساکنان	۳.۹۰	۴	۵	۶۵.۹

میانگین‌های گویه‌های عدالت (بین ۳.۵۶ تا ۳.۹) و نماهای غالب مثبت نشان می‌دهد که جامعه به رعایت عدالت در توزیع منافع، فرصت‌های شغلی و آموزش‌ها باور دارد. به خصوص رعایت حقوق مالکیت و عدم تبعیض، امتیازات بالایی دارند که نشانه رضایت نسبی است. با این حال، نسبت پاسخ «نظری ندارم» در حوزه آموزش بیشتر است که حاکی از نیاز به بهبود اطلاع‌رسانی و دسترسی برابر به آموزش‌ها می‌باشد. در مجموع، داده‌ها فرضیه تأثیر قابل توجه عدالت بر بهبود کیفیت خدمات گردشگری را تأیید می‌کنند.

جدول ۳. توصیفی متغیر شفافیت در فرآیندهای مدیریتی گردشگری، ضامن پاسخگویی و ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری روستایی

متغیر شفافیت	میانگین	میان	نما	درصد موافق و کاملاً موافق (%)
دسترسی آسان به اطلاعات برنامه‌ها و پروژه‌ها	۳.۷۴	۴	۴	۵۹.۵
انتشار عمومی گزارش‌های مالی و عملکردی	۳.۴۹	۴	۳	۵۳.۵
آگاهی از چگونگی تخصیص بودجه پروژه‌ها	۳.۲۵	۳	۳	۴۷.۱
وضوح و قابل فهم بودن اطلاعات ارائه شده	۳.۸۷	۴	۴	۶۲.۹
وجود فرآیند مشخص برای درخواست و دریافت اطلاعات	۳.۵۵	۴	۴	۵۸.۰

گویه‌های شفافیت با میانگین‌های ۳.۲۵ تا ۳.۸۷ نشان می‌دهد که سطحی از شفافیت در جامعه وجود دارد؛ هرچند در مواردی مانند گزارش‌های مالی و تخصیص بودجه، رضایت کمتر است و تعداد نظرات «نظری ندارم» نسبتاً بالاست. این علائم نشان‌دهنده کمبود کامل شفافیت در برخی

بخش‌ها و نیاز به طراحی مکانیزم‌های بهتر اطلاع‌رسانی است. بنابراین علی‌رغم وجود حداقلی از شفافیت، برای افزایش کیفیت مدیریت گردشگری باید به جنبه‌های شفافیت بیشتر توجه شود.

جدول ۴. توصیفی متغیر موانع اجرایی قانونی از جمله ضعف نظارت و اطلاع‌رسانی، کیفیت مدیریت گردشگری

متغیر پاسخگویی	میانگین	میان	نما	درصد موافق و کاملاً موافق (%)
مسئولان در قبال تصمیمات خود پاسخگو هستند	۳.۸۸	۴	۵	۶۴.۳
گزارش‌های عملکرد مسئولان به ساکنان می‌رسد	۳.۷۲	۴	۴	۵۹.۶
انتقادات و شکایات به طور جدی پیگیری می‌شود	۳.۶۵	۴	۳	۵۴.۴
نهادهای نظارتی بر مسئولان نظارت موثر دارند	۳.۶۸	۴	۴	۶۰.۱
مسئولان به سوالات و درخواست‌های نمایندگان پاسخ می‌دهند	۳.۸۷	۴	۵	۶۳.۴

در گویه‌های پاسخگویی میانگین‌ها حدود ۳.۶۵ تا ۳.۸۸ است که بیان‌گر ارزیابی نسبتاً مثبت ولی نه کامل پاسخگویی مسئولان و نظارت‌ها است. وجود درصد قابل توجهی از پاسخ‌های «نظری ندارم» و پراکندگی متوسط دیدگاه‌ها نمایانگر موانع اجرایی مانند ضعف نظارت و اطلاع‌رسانی است که ضمن کاهش کیفیت مدیریت، لزوم تقویت این حوزه‌ها را برجسته می‌سازد. در نتیجه داده‌ها نشان می‌دهند که رفع موانع و بهبود اطلاع‌رسانی می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری روستایی داشته باشد.

فرضیه ۱: رابطه بین حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت گردشگری

جدول ۵. تعیین رابطه بین حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت گردشگری

آزمون	آماره	مقدار p	تفسیر
همبستگی اسپیرمن	۰.۵۸	$p < ۰.۰۰۱$	رابطه مثبت و معنادار است
رگرسیون غیرپارامتریک	$\beta = ۰.۵۷$	$p < ۰.۰۰۱$	تأثیر مثبت حاکمیت قانون بر کیفیت مدیریت

همبستگی اسپیرمن ۰.۵۸ و مقدار $p < ۰.۰۰۱$ نشان‌دهنده یک رابطه مثبت و معنادار است؛ یعنی با افزایش حاکمیت قانون، کیفیت مدیریت گردشگری به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد. رگرسیون غیرپارامتریک با $\beta = ۰.۵۷$ و $p < ۰.۰۰۱$ تأثیر مثبت و معنادار حاکمیت قانون بر کیفیت مدیریت را تأیید می‌کند. به طور کلی، داده‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت قانون به عنوان یک عامل مهم و مؤثر در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری عمل می‌کند.

فرضیه ۲: تأثیر عدالت و حقوق مساوی بر کیفیت خدمات گردشگری

جدول ۶. تعیین تأثیر عدالت و حقوق مساوی بر کیفیت خدمات گردشگری

آزمون	آماره	مقدار p	تفسیر
همبستگی اسپیرمن	۰.۶۰	$p < ۰.۰۰۱$	رابطه مثبت و معنادار است
رگرسیون غیرپارامتریک	$\beta = ۰.۵۸$	$p < ۰.۰۰۱$	عدالت تأثیر قابل توجهی دارد

همبستگی اسپیرمن ۰.۶۰ و $p < ۰.۰۰۱$ نشان می‌دهد که بین عدالت و کیفیت خدمات گردشگری یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. رگرسیون غیرپارامتریک با $\beta = ۰.۵۸$ و $p < ۰.۰۰۱$ این تأثیر مثبت و قابل توجه عدالت و حقوق مساوی را بر کیفیت خدمات گردشگری اثبات می‌کند. این نتایج بیان می‌کند که افزایش عدالت و رعایت حقوق مساوی، کیفیت خدمات گردشگری را بهبود می‌بخشد.

فرضیه ۳: شفافیت، ضامن ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری است.

جدول ۷. تعیین شفافیت، ضامن ارتقای کیفیت مدیریت گردشگری است.

آزمون	آماره	مقدار p	تفسیر
همبستگی اسپیرمن	۰.۵۴	< 0.001	رابطه مثبت و معنادار است
آزمون من-ویتنی	$U=8200$	< 0.001	تفاوت معنادار توسعه پایدار بین گروه‌های شفافیت بالا و پایین
آزمون کروسکال-والیس	$\chi^2=25$	< 0.001	تفاوت معنادار میان سطوح مختلف شفافیت

همبستگی اسپیرمن ۰.۵۴ و $p < 0.001$ یک رابطه مثبت و معنادار بین شفافیت و کیفیت مدیریت گردشگری را نشان می‌دهد. آزمون من-ویتنی ($U=8200$, $p < 0.001$) تفاوت معناداری را در توسعه پایدار بین گروه‌های با سطح شفافیت بالا و پایین اثبات می‌کند. آزمون کروسکال-والیس ($\chi^2=25$, $p < 0.001$) نیز نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در کیفیت مدیریت گردشگری بین سطوح مختلف شفافیت وجود دارد. در نتیجه، شفافیت به وضوح یک عامل مهم در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری و توسعه پایدار است.

فرضیه ۴: موانع اجرایی قانونی کیفیت مدیریت گردشگری را کاهش می‌دهد.

جدول ۸. تعیین موانع اجرایی قانونی کیفیت مدیریت گردشگری را کاهش می‌دهد.

آزمون	آماره	مقدار p	تفسیر
همبستگی اسپیرمن	۰.۶۲	< 0.001	رابطه مثبت و معنادار است
رگرسیون غیرپارامتریک	$\beta=0.60$	< 0.001	پاسخگویی تأثیر قوی دارد
آزمون ویتین (Wald)	۱۵.۳۶	< 0.001	ضریب $\beta=0.60$ به طور معناداری از صفر تفاوت دارد

همبستگی اسپیرمن ۰.۶۲ و $p < 0.001$ حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین موانع اجرایی قانونی و کیفیت مدیریت گردشگری است (احتمالاً با کاهش موانع، کیفیت افزایش می‌یابد. رگرسیون غیرپارامتریک با $\beta=0.60$ و $p < 0.001$ نشان می‌دهد پاسخگویی (شاید به معنی مقابله با موانع اجرایی) تأثیر قوی و مثبت بر کیفیت دارد. این نتایج تأکید می‌کنند که کاهش موانع قانونی اجرایی و افزایش پاسخگویی می‌تواند کیفیت مدیریت گردشگری را به شکل قابل توجهی ارتقا دهد.

آزمون ویتین با آماره ۱۵.۳۶ و مقدار p کمتر از ۰.۰۰۱ نشان می‌دهد که ضریب β مربوط به پاسخگویی (که در رگرسیون غیرپارامتریک گزارش شده است) به طور معناداری از صفر متفاوت است. این موضوع تأیید می‌کند که پاسخگویی نقش مهم و معناداری در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری دارد و کاهش موانع قانونی اجرایی با افزایش پاسخگویی، به صورت آماری ثابت شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر که با هدف بررسی نقش حاکمیت قانون در بهبود کیفیت مدیریت گردشگری روستایی در روستای قلات فارس انجام شد، نشان داد که بین حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت گردشگری رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد. تحلیل آماری داده‌ها ($r=0.58$, $p<0.001$) بیانگر آن است که تقویت حاکمیت قانون از طریق اجرای مؤلفه‌هایی مانند عدالت، شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، به‌طور مستقیم موجب ارتقای کیفیت خدمات و مدیریت گردشگری در سطح محلی می‌شود. یافته‌ها همچنین نشان داد که مؤلفه عدالت و حقوق مساوی بیشترین اثر را بر کیفیت مدیریت گردشگری دارد، در حالی که ضعف در نظارت و اطلاع‌رسانی از مهم‌ترین موانع اجرایی محسوب می‌شود. این نتایج با مبانی نظری و شواهد تجربی پیشین همخوانی دارد و تأییدکننده نقش بنیادی حاکمیت قانون در تحقق حکمرانی خوب در حوزه گردشگری است (Graham, Amuka, et al., 2003; World Bank, 1992).

در تبیین این یافته، می‌توان گفت که حاکمیت قانون در مدیریت گردشگری روستایی به‌منزله چارچوبی نهادی است که رفتار مدیران، ذی‌نفعان و جامعه محلی را در مسیر توسعه پایدار جهت‌دهی می‌کند. وجود قوانین شفاف و قابل پیش‌بینی، ضمن کاهش تعارض منافع و فساد اداری،

اعتماد اجتماعی را تقویت و زمینه مشارکت فعال ساکنان را فراهم می‌سازد (Hemmati Khah et al., 2025; Rothstein, 2003). در واقع، حاکمیت قانون تنها یک سازوکار حقوقی نیست بلکه ابزار تنظیم روابط قدرت، توزیع منابع و تضمین عدالت اجتماعی در نظام گردشگری است. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که اجرای مؤثر این اصول در قلات، به افزایش رضایت گردشگران و بهبود عملکرد مدیریتی انجامیده است. این امر در تطابق کامل با یافته‌های راثشتاین است که تأکید دارد «اعتماد اجتماعی محصول اجرای عادلانه قانون و احساس عدالت رویه‌ای در جامعه است» (Rothstein, 2003).

از منظر عدالت اجتماعی، نتایج پژوهش حاضر بیانگر تأثیر معنادار عدالت و حقوق مساوی بر بهبود کیفیت مدیریت گردشگری است ($\beta=0.58, p<0.001$). این یافته تأیید می‌کند که توزیع عادلانه منافع اقتصادی و فرصت‌های شغلی، شرط لازم برای پایداری نظام گردشگری در روستاهای تاریخی مانند قلات است. به بیان دیگر، عدالت به‌عنوان یکی از ارکان حاکمیت قانون، موجب تقویت انگیزه مشارکت اجتماعی و کاهش نارضایتی‌های محلی می‌شود (Babaei Finni, 2015). این نتایج با پژوهش گراهام و همکاران هم‌راستا است که عدالت، پاسخگویی و شفافیت را سه ستون اصلی حکمرانی خوب معرفی کرده‌اند (Graham, Amos, et al., 2003). همچنین، نتایج گزارش وزارت میراث فرهنگی و گردشگری (۱۴۰۳) تأیید می‌کند که رعایت عدالت در تخصیص منابع و فرصت‌های شغلی در مناطق گردشگری می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری و رضایت جامعه محلی گردد (Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts, 2024a).

در تفسیر یافته‌های مربوط به شفافیت، نتایج نشان داد که میان سطح شفافیت در فرآیندهای مدیریتی و کیفیت مدیریت گردشگری رابطه‌ای مثبت و معنادار وجود دارد ($\chi^2=25, p<0.001$). این امر بیانگر آن است که دسترسی آزاد به اطلاعات، انتشار گزارش‌های مالی و آگاهی از نحوه تخصیص منابع، از عوامل کلیدی ارتقای اعتماد عمومی و رضایت گردشگران است. یافته‌های حاضر با نتایج رودز (۱۹۹۶) و بانک جهانی (۱۹۹۲) همخوانی دارد که بر اهمیت پیش‌بینی‌پذیری و شفافیت به‌عنوان عناصر حیاتی توسعه اقتصادی و نهادی تأکید دارند (Rhodes, 1996; World Bank, 1992). افزون بر این، گراهام و پلامپتر نیز در گزارش خود «اصول حکمرانی در قرن بیست‌ویکم» تصریح کرده‌اند که شفافیت، شرط لازم برای پاسخگویی و کنترل اجتماعی در ساختارهای حکمرانی عمومی است (Graham, Amuka, et al., 2003). همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که پاسخگویی و نظارت نهادی نقشی تعیین‌کننده در افزایش کیفیت مدیریت گردشگری دارند. آزمون‌های آماری ($\beta=0.60, p<0.001$) نشان دادند که افزایش پاسخگویی مسئولان و تقویت سازوکارهای نظارتی، به بهبود تصمیم‌گیری، افزایش کارایی و کاهش فساد اداری منجر می‌شود. این نتایج با دیدگاه‌های مطرح‌شده در نظریه حکمرانی خوب بانک جهانی کاملاً هم‌راستا است که تأکید دارد پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، ستون‌های بنیادین کارآمدی نهادی و سلامت اداری در هر نظام مدیریتی‌اند (World Bank, 1992). از سوی دیگر، یافته‌های همتی‌خواه و همکاران نیز بر این نکته تأکید دارند که بدون پاسخگویی اجرایی و شفافیت، حاکمیت قانون صرفاً در سطح صوری باقی می‌ماند و کارکرد واقعی خود را در تضمین عدالت از دست می‌دهد (Hemmati Khah et al., 2025).

نکته قابل توجه در یافته‌های پژوهش حاضر، شناسایی ضعف در نظارت و اطلاع‌رسانی به‌عنوان مهم‌ترین مانع اجرایی در تحقق حاکمیت قانون است. بر اساس تحلیل‌ها، کمبود شفافیت اطلاعاتی، نبود نظام منسجم نظارتی و تداخل وظایف نهادی، از جمله عوامل کاهش‌دهنده کیفیت مدیریت گردشگری در قلات محسوب می‌شوند. این مسئله با گزارش اداره کل امور روستایی استانداری فارس مطابقت دارد که «نبود هماهنگی بین دستگاه‌ها و ساخت‌وسازهای غیرمجاز» را به‌عنوان تهدیدی جدی برای بافت تاریخی و طبیعی روستا معرفی کرده است (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025b). چنین موانعی نشان‌دهنده آن است که صرف وجود قوانین کافی نیست، بلکه اجرای مؤثر، نظارت دقیق و فرهنگ سازمانی مبتنی بر پاسخگویی، شرط لازم تحقق حاکمیت قانون است.

نتایج این مطالعه همچنین با یافته‌های پژوهش حاجیده‌آبادی درباره «امنیت قضایی و اصل حاکمیت قانون از منظر فقه و حقوق» همسو است. او معتقد است که برای کارآمدی قانون، باید بین اصول حقوقی و سازوکارهای اجرایی هماهنگی وجود داشته باشد تا از اعمال سلیقه‌ای قانون جلوگیری شود (Hajideh Abadi & Samimi, 2024). این مسئله در حوزه گردشگری نیز مصداق دارد؛ زیرا نبود ضمانت‌های اجرایی

برای قوانین مربوط به حفاظت از میراث طبیعی و تاریخی، سبب بروز بی‌نظمی و تخریب منابع شده است. همچنین یافته‌های فوزیه همتی و همکاران درباره «رویکرد ماهوی به حاکمیت قانون در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری» نشان می‌دهد که اجرای ماهوی قانون، به‌ویژه در حوزه‌های حساس فرهنگی و محیطی، تنها زمانی مؤثر است که نهادهای تصمیم‌گیر و ناظر، استقلال و پاسخگویی لازم را داشته باشند (Fozieh Hemmati et al., 2025).

در سطح نظری، نتایج این پژوهش هم‌راستا با دیدگاه بابی فینی (۲۰۱۵) است که بر ضرورت بازنگری در قوانین گردشگری ایران تأکید می‌کند. به باور او، ضعف در حاکمیت قانون و نبود چارچوب‌های نظارتی کارآمد، مانع اصلی توسعه پایدار گردشگری در کشور است (Babaei Finni, 2015). یافته‌های حاضر این دیدگاه را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که در قلات نیز همان الگوهای ناکارآمد حقوقی و نهادی دیده می‌شود. درواقع، هنگامی که اجرای قانون به‌صورت نظام‌مند و بی‌طرفانه انجام نمی‌گیرد، نتیجه آن بروز بی‌اعتمادی عمومی و کاهش کیفیت خدمات گردشگری است. این مسئله را می‌توان در گزارش‌های رسمی وزارت میراث فرهنگی مشاهده کرد که ضعف هماهنگی بین دستگاه‌ها و عدم نظارت کافی را از موانع اصلی توسعه گردشگری پایدار در استان فارس می‌دانند (Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts, 2024b).

از منظر تطبیقی، نتایج این پژوهش با یافته‌های بین‌المللی در خصوص رابطه میان حاکمیت قانون و توسعه پایدار نیز هم‌خوانی دارد. برای مثال، کیریاکو و تروین (۲۰۲۴) در مطالعه خود نشان دادند که پایداری نهادی در نظام‌های حقوقی وابسته به میراث‌های تاریخی و فرهنگی است، و هرگونه ضعف در حاکمیت قانون به گسترش پوپولیسم و ناکارآمدی نهادی می‌انجامد (Kyriacou & Trivin, 2024). مشابه این وضعیت در مناطق روستایی ایران نیز قابل مشاهده است، جایی که ضعف در قانون‌گرایی و کمبود مشارکت اجتماعی موجب تضعیف حکمرانی محلی می‌شود. از سوی دیگر، پژوهش حبیب و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد که حتی در کشورهایی با ساختار قانونی ضعیف، اصلاحات نهادی و افزایش شفافیت می‌تواند بر عملکرد بخش‌های توسعه‌محور مانند بانکداری و گردشگری اثر مثبت بگذارد (Habib et al., 2024). بنابراین، یافته‌های این پژوهش ضمن تأیید نقش مؤثر حاکمیت قانون، بر لزوم اصلاح نهادی و افزایش شفافیت در سطح محلی نیز تأکید دارد. در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان گفت که یافته‌های این تحقیق نه تنها با چارچوب نظری حکمرانی خوب (بانک جهانی، ۱۹۹۲) مطابقت دارد، بلکه مؤید دیدگاه‌های تجربی متعددی است که در ادبیات داخلی و بین‌المللی مطرح شده است (Graham, Amuka, et al., 2003; World Bank, 1992). حاکمیت قانون در مدیریت گردشگری روستایی به‌مثابه نیروی تسهیل‌گر عمل می‌کند که از طریق تضمین عدالت، افزایش شفافیت، و ارتقای پاسخگویی، کارایی مدیریتی را افزایش می‌دهد و از بروز نابسامانی‌های زیست‌محیطی و فرهنگی جلوگیری می‌کند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه پایدار گردشگری در قلات و مناطق مشابه، بدون نهادینه‌سازی اصول حاکمیت قانون، ممکن نیست. این نتایج تأکید می‌کند که تقویت ساختارهای قانونی، بازنگری در سیاست‌های اجرایی، و افزایش اعتماد اجتماعی، سه مسیر کلیدی برای بهبود کیفیت مدیریت گردشگری روستایی‌اند.

این پژوهش با وجود جامعیت روش‌شناختی، با چند محدودیت مواجه بوده است. نخست، پژوهش تنها در محدوده جغرافیایی روستای قلات انجام شده و بنابراین تعمیم نتایج آن به سایر مناطق گردشگری ایران باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود که اگرچه پایایی بالایی داشت، اما پاسخ‌ها ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های ادراکی یا اجتماعی پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد. سوم، برخی متغیرهای نهادی مانند فساد اداری یا نفوذ سیاسی، به دلیل دشواری اندازه‌گیری، در مدل لحاظ نشده‌اند و این امر می‌تواند در تفسیر روابط میان حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت تأثیرگذار باشد. همچنین، پژوهش به جنبه‌های کیفی نظیر تجربه زیسته گردشگران یا نگرش‌های فرهنگی ساکنان نپرداخته است که می‌توانند درک عمیق‌تری از پویایی حاکمیت قانون در مدیریت گردشگری فراهم کنند.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، مطالعه در مقیاس وسیع‌تری انجام گیرد و مناطق گردشگری دیگری با ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی متفاوت نیز مورد بررسی قرار گیرند تا امکان مقایسه تطبیقی فراهم شود. همچنین، استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق و

تحلیل محتوای اسناد می‌تواند ابعاد پنهان‌تر اجرای قانون و تعامل میان نهادها را روشن سازد. پیشنهاد دیگر آن است که پژوهش‌های آینده نقش واسطه‌ای متغیرهایی مانند سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی و فرهنگ سازمانی را در رابطه بین حاکمیت قانون و کیفیت مدیریت بررسی کنند. در نهایت، توسعه مدل‌های ترکیبی (کمی-کیفی) برای ارزیابی جامع‌تر حکمرانی گردشگری در ایران توصیه می‌شود. در سطح سیاست‌گذاری و مدیریت عملی، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تقویت ساختارهای قانونی و نظارتی، بازنگری در قوانین مرتبط با گردشگری روستایی، و افزایش شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری از اولویت‌های اصلی است. آموزش مدیران محلی در زمینه حاکمیت قانون و ایجاد سازوکارهای پاسخگویی عمومی می‌تواند به بهبود اعتماد اجتماعی و مشارکت مردمی بینجامد. همچنین، تشکیل کمیته‌های مشترک میان نهادهای گردشگری، محیط‌زیست و امور روستایی برای پایش اجرای قوانین و ارزیابی مستمر عملکردها ضروری است. در نهایت، ترویج فرهنگ قانون‌مداری در سطح جوامع محلی و تقویت رسانه‌های شفاف‌ساز می‌تواند مسیر پایداری توسعه گردشگری در مناطق روستایی را هموار سازد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

The rule of law has long been recognized as a cornerstone of good governance and sustainable development, serving not only as a mechanism for ensuring justice and accountability but also as a critical foundation for social, economic, and environmental stability (Rhodes, 1996; World Bank, 1992). In recent years, scholars and policymakers have emphasized the crucial role that the rule of law plays in shaping the effectiveness and legitimacy of rural tourism management systems (Graham, Amos, et al., 2003; Rothstein, 2003). Rural tourism, which connects economic revitalization with cultural preservation and community empowerment, requires transparent, fair, and participatory governance frameworks to thrive sustainably (Babaei Finni, 2015). In contexts where the rule of law is weak or inconsistently enforced, tourism development often leads to

unregulated construction, environmental degradation, and social inequality — problems that are increasingly evident in many heritage-based rural destinations, including Qalat Village in Fars Province, Iran (Amiri, 2019; General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025b).

Qalat, a historical village located near Shiraz, embodies the complexities of rural tourism management in a setting rich in cultural and natural resources. Despite its potential for sustainable tourism development, Qalat has faced numerous challenges arising from weak legal enforcement, uncoordinated institutional management, and limited transparency in decision-making processes (General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate, 2025a). The Ministry of Cultural Heritage, Tourism and Handicrafts (2024) reports that although various legal frameworks exist for regulating tourism and protecting heritage sites, their enforcement remains fragmented and inconsistent across local administrative units (Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts, 2024a, 2024b). This mismatch between policy and implementation has contributed to declining management quality, reduced community trust, and deterioration of natural and historical assets.

Theoretically, the rule of law represents one of the central components of the World Bank's framework of good governance, which emphasizes justice, accountability, participation, and transparency as preconditions for sustainable development (World Bank, 1992). Within the tourism context, the rule of law ensures fair access to resources, equitable benefit distribution, and legal predictability for investors and local stakeholders alike (Graham, Amuka, et al., 2003). Studies by Rhodes (1996) and Rothstein (2003) confirm that effective governance systems grounded in legal transparency and institutional trust lead to higher satisfaction among local communities and tourists, reducing the risk of corruption and resource mismanagement (Rhodes, 1996; Rothstein, 2003). Furthermore, recent legal analyses highlight that a substantive, rather than purely procedural, approach to the rule of law — one emphasizing fairness, equality, and responsibility — enhances the resilience and adaptability of governance structures (Fozieh Hemmati et al., 2025; Hemmati Khah et al., 2025).

In Iran's rural tourism sector, however, gaps between formal legislation and practical enforcement remain profound (Pak Fatrat, 2022). According to Hajideh Abadi and Samimi (2024), the principle of judicial security — an essential aspect of the rule of law — has yet to be effectively incorporated into tourism management and local administrative practices (Hajideh Abadi & Samimi, 2024). As a result, accountability mechanisms are often weak, monitoring systems inconsistent, and legal remedies inaccessible to local stakeholders. Similar findings are echoed in global literature, which indicates that in regions with weak rule-of-law structures, achieving equitable and sustainable tourism outcomes requires institutional reform, transparent communication, and cross-sectoral cooperation (Habib et al., 2024; Kyriacou & Trivin, 2024).

Drawing on these insights, the present study investigates the role of the rule of law in improving the quality of rural tourism management in Qalat Village, Fars Province. The research explores how the core dimensions of the rule of law — justice, transparency, accountability, participation, and responsibility — influence the efficiency, fairness, and sustainability of local tourism governance. By integrating empirical data from local stakeholders with the theoretical framework of good governance, this study aims to provide actionable recommendations for policymakers and practitioners seeking to strengthen rural tourism systems under a rule-of-law paradigm.

Methods and Materials

This study adopted a quantitative survey design based on a positivist paradigm. The statistical population included all residents and stakeholders involved in tourism activities in Qalat Village (N = 7,286). Using Cochran's formula, a sample of 367 participants was selected through stratified random sampling to ensure representation across different occupational and demographic groups. Data were collected through a standardized researcher-made questionnaire measuring five key dimensions of the rule of law — justice, transparency, accountability, participation, and responsibility — and their perceived impact on tourism

management quality. The questionnaire's reliability was confirmed with a Cronbach's alpha of 0.87. Statistical analyses were performed using descriptive statistics, Spearman correlation, non-parametric regression, Mann–Whitney, and Kruskal–Wallis tests to evaluate relationships among variables and test the study hypotheses.

Findings

Descriptive analyses revealed relatively high mean scores across all rule-of-law dimensions, ranging from 3.6 to 3.9 on a five-point Likert scale, indicating generally favorable perceptions of the rule of law among Qalat residents. The majority of respondents expressed agreement or strong agreement that justice, transparency, and accountability are crucial for effective tourism management.

The Spearman correlation test showed a positive and significant relationship between the rule of law and tourism management quality ($r = 0.58$, $p < 0.001$). Non-parametric regression analysis confirmed this relationship ($\beta = 0.57$, $p < 0.001$), suggesting that higher levels of rule-of-law implementation lead to measurable improvements in tourism management outcomes.

For the dimension of justice and equal rights, results revealed a strong positive association with service quality ($r = 0.60$, $p < 0.001$; $\beta = 0.58$, $p < 0.001$), emphasizing the importance of equitable access to economic opportunities and fair distribution of tourism benefits. Transparency also showed a significant positive correlation with management quality ($r = 0.54$, $p < 0.001$). Mann–Whitney and Kruskal–Wallis tests indicated significant differences in sustainable tourism outcomes among groups with higher versus lower transparency scores ($U = 8200$, $p < 0.001$; $\chi^2 = 25$, $p < 0.001$).

Regarding accountability, the data indicated that enhanced responsiveness and monitoring mechanisms significantly improved management performance ($r = 0.62$, $p < 0.001$; $\beta = 0.60$, $p < 0.001$). Weaknesses in supervision and information dissemination were identified as major barriers to effective governance. In sum, findings demonstrated that rule-of-law principles — particularly justice, transparency, and accountability — play an integral role in advancing the quality and sustainability of rural tourism management.

Discussion and Conclusion

The findings of this study confirm that the rule of law serves as a critical determinant of tourism management quality in rural contexts. The positive and significant associations between justice, transparency, accountability, and management performance underscore that the rule of law functions not merely as a legal principle but as a structural mechanism for achieving fairness, participation, and institutional efficiency. In Qalat, where tourism constitutes both an economic opportunity and a cultural responsibility, the enforcement of legal frameworks ensures equitable access to benefits, mitigates conflicts among stakeholders, and preserves the integrity of natural and historical resources.

The observed relationship between justice and management quality highlights that fair distribution of tourism benefits and non-discriminatory access to resources strengthen community trust and engagement. When local stakeholders perceive decision-making processes as equitable and consistent, their willingness to participate in governance and conservation activities increases substantially. This aligns with the conceptualization of good governance, wherein justice serves as both an ethical and operational foundation for sustainable development.

Similarly, the study's results regarding transparency reaffirm its centrality in fostering institutional credibility and accountability. Transparent communication about budgets, project plans, and performance reports not only enhances administrative efficiency but also reduces the risk of corruption and misinformation. By facilitating public access to information, transparency empowers communities to hold local authorities accountable, thereby reinforcing democratic governance principles.

Accountability, another core dimension of the rule of law, emerged as a decisive factor influencing management quality. Effective monitoring systems and clear channels for grievance redressal are essential for maintaining compliance with legal standards and for ensuring that tourism revenues are managed responsibly.

In Qalat, however, limited oversight and fragmented coordination among agencies have impeded the consistent implementation of tourism regulations. Strengthening inter-institutional collaboration and enhancing legal supervision are thus critical steps toward improving management outcomes.

Beyond its empirical implications, this study contributes to the broader theoretical understanding of how the rule of law interacts with sustainable tourism governance. The integration of legal principles into local administrative frameworks transforms tourism from a profit-driven activity into a socially accountable and environmentally responsible enterprise. In rural settings, where institutional capacities are often limited, embedding rule-of-law norms into everyday governance practices promotes long-term resilience, prevents resource exploitation, and supports inclusive economic growth.

From a policy perspective, these findings underscore the need for a multidimensional approach to tourism governance that integrates legal, institutional, and social strategies. Strengthening the rule of law in rural tourism management requires not only revising and enforcing regulations but also cultivating a culture of legal compliance, civic engagement, and transparency. Local authorities should establish independent oversight bodies, standardize information disclosure practices, and ensure equitable representation of community members in decision-making processes.

Furthermore, fostering public awareness of the legal rights and responsibilities of both residents and tourists can build a shared sense of accountability. Educational and training programs targeting local administrators, tourism operators, and community leaders can bridge the gap between legal frameworks and practical implementation. Enhancing the participation of local communities in planning and monitoring processes will not only improve compliance but also generate a stronger sense of ownership and stewardship over tourism resources.

In conclusion, the study demonstrates that the rule of law is not merely an abstract legal doctrine but a concrete and operational driver of sustainable tourism governance. By reinforcing justice, transparency, and accountability, the rule of law enhances the quality, equity, and sustainability of rural tourism management. In the case of Qalat, implementing these principles can help transform current management challenges — including weak oversight, lack of transparency, and institutional fragmentation — into opportunities for systemic improvement. Strengthening the rule of law thus represents both a strategic necessity and an ethical imperative for achieving sustainable tourism that benefits local communities, protects cultural heritage, and promotes balanced regional development.

References

- Amiri, M. (2019). Qalat Village in Shiraz Registered Nationally.
- Babaei Finni, M. (2015). The Necessity and Importance of Research on Tourism Laws in Iran. *Journal of Tourism Studies*.
- Cruz, D. (2011). *Research Methods in the Humanities*. Tehran: Nashr-e Ney.
- Fozieh Hemmati, K., Abad, R., & Farid Azad, B. (2025). A substantive approach to the rule of law in the practice of the International Court of Justice. *Encyclopedia of Jurisprudence and Comparative Law*, 1-18.
- General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate. (2025a). Tourism in 'Qalat'; A Victim of Illegality.
- General Directorate of Rural Affairs of Fars Governorate. (2025b). Tourism in Qalat; Challenges and Opportunities. *Internal Report of Fars Province*.
- Graham, J., Amos, B., & Plumptre, T. (2003). Principles for Good Governance in the 21st Century. *Policy Brief No. 15*, Institute on Governance. https://www.academia.edu/download/63517368/9_Graham_Amos_Plumptre20200603-39838-ysrafx.pdf
- Graham, J., Amuka, M., & Andrews, R. (2003). *Good Governance in the Public Sector*. Global Publications.
- Habib, A., Khan, M. A., Haddad, H., & Al-Ramahi, N. M. (2024). Does sustainable banking facilitate reducing the SDG-10 in weak rule of law setting? *Heliyon*. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e24128>
- Hajideh Abadi, M. A., & Samimi, M. J. (2024). Challenges of Judicial Security and Solutions to it with Emphasis on the Principle of the Rule of Law from the Perspective of Jurisprudence and Law. *Journal of Jurisprudence and Law*, 18(49), 31-62.

- Hemmati Khah, F., Rouhi, E., & Azadbakht, F. (2025). Substantive approach to the rule of law in the practice of the International Court of Justice. *Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1, 1-18.
- Kyriacou, A. P., & Trivin, P. (2024). Populism and the Rule of Law: The Importance of Institutional Legacies. *American Journal of Political Science*. <https://doi.org/10.1111/ajps.12935>
- Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts. (2024a). Performance Report and Development Programs for Rural Tourism.
- Ministry of Cultural Heritage Tourism and Handicrafts. (2024b). Report on Performance and Development Programs for Rural Tourism in Fars Province.
- Pak Fatrat, A. (2022). Legal Challenges of Tourism in Historical Villages of Fars Province.
- Rhodes, R. A. W. (1996). The Rule of Law and Economic Development. *Journal of Political Science*.
- Rothstein, B. (2003). Social trust and the quality of government: Economics, Politics & Institutions. *Governance*.
- Schultz, R. (2010). *Philosophy of Social Sciences*. Tehran: Samt.
- World Bank. (1992). *Governance and Development*. Washington, DC: The World Bank. <https://doi.org/10.1596/0-8213-2094-7>